

## **Explaining the criminal liability of legal entities for political crimes in the field of the press, considering the individuality of punishment**

Mahdiah Akhondi<sup>1</sup>

Zahra Mahdizadeh

Mohammad Javad Yaghoubi

Manouchehr Rahimi

### **Abstract:**

According to the law, criminal liability for publishing criminal material is primarily the responsibility of the editor-in-chief of the publication. Of course, his responsibility will not negate the responsibility of the author or other creators of the work, because there is no legal document exempting them from criminal liability. The purpose of this research is to explain the criminal liability of legal entities in political crimes in the field of the press, considering the individuality of the punishment, which, by examining the constituent elements of political and press crimes, attempts to determine the process of criminal liability arising from the aforementioned crimes. Its results show that a legal entity has an independent personality, meaning that although its consistency depends on others and it is recognized and abstracted as a personality separate from the personality of its constituents, if a crime occurs due to its negligence, it must be punished.

**Keywords:** Criminal liability, legal entities, political crimes, press, individuality of punishment

---

<sup>1</sup> - commahdiehakhondi59@gmail.com

## تبیین مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در جرایم سیاسی در زمینه مطبوعات با توجه به فردی بودن مجازات

مهدیه آخوندی<sup>۱</sup>

زهرا مهدی‌زاده<sup>۲</sup>

محمد جواد یعقوبی<sup>۳</sup>

منوچهر رحیمی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵

### چکیده

مطابق قانون اصولاً مسئولیت کیفری به دلیل انتشار مطالب مجرمانه بر عهده مدیر مسئول نشریه است. البته مسئولیت وی نافی مسئولیت نویسنده یا سایر پدیدآورندگان اثر نخواهد بود؛ زیرا مستند قانونی برای معافیت آنان از مسئولیت کیفری وجود ندارد. هدف این پژوهش تبیین مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در جرایم سیاسی در زمینه مطبوعات با توجه به فردی بودن مجازات است که با بررسی ارکان تشکیل دهنده جرائم سیاسی و مطبوعاتی سعی در روند مسئولیت کیفری ناشی از جرائم مذکور را دارد. نتایج آن نشان می‌دهد که شخص حقوقی دارای شخصیت مستقل است به این معنا که اگرچه قوام آن وابسته به غیر است و برایش شخصیتی جدا از شخصیت تشکیل دهندگانش اعتبار و انتزاع می‌شود لکن به واسطه قصور وی چنانچه جرمی واقع شود، باید مجازات گردد.

**واژگان کلیدی:** مسئولیت کیفری، اشخاص حقوقی، جرایم سیاسی، مطبوعات، فردی بودن مجازات.



<sup>۱</sup> - دانش آموخته کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس، ایران.

<sup>۲</sup> - دانش آموخته کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، ایران.

<sup>۳</sup> - دانش آموخته کارشناسی حقوق، دانشگاه پیام نور واحد باغین، کرمان، ایران.

<sup>۴</sup> - دانش آموخته کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشگاه علوم تحقیقات سیرجان، ایران.

## ۱- مقدمه

پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی فعلی در سال ۱۳۹۲، در قوانین مختلف، درباره مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، سخنی به میان نیامده بود و برخی قوانین پراکنده از جمله قانون تجارت به موضوع انحلال شخص حقوقی با حکم دادگاه، آن هم به طور مختصر پرداخته بودند. اما پس از تصویب قانون فعلی مجازات اسلامی، موضوع مجازات اشخاص حقوقی در درجه بندی مجازات و نیز مواد بعدی به صراحت مورد اشاره قرار گرفت. در حقیقت، در گذشته، پابندی به اصل شخصی بودن مجازاتها و نبود اراده و قصد نزد اشخاص حقوقی، موجب شده بود که آنان فاقد اهلیت پذیرش مسئولیت کیفری شناخته شوند. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی از چالش‌های بنیادین حقوق کیفری ایران بوده است و پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در مباحث کلی و قواعد عمومی سخن از مسئولیت این اشخاص به میان نیامده است اما در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ این موضوع با شرایط قابل بحث پیش بینی شده است، با این وجود قانون جرایم سیاسی و مطبوعاتی موضوع مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به صراحت تعریف و پیش بینی کرده است. فصل ششم این قانون به بحث مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مربوط می‌شود.

در اکثر جرایم، انگیزه نقشی در تحقق یا عدم تحقق فعل مجرمانه ندارد و فقط می‌تواند عاملی برای تخفیف مجازات باشد. بدین شرح که طبق بند پ ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم، از جهات تخفیف مجازات می‌باشد. اما گاهی اوقات، انگیزه، در تحقق یا عدم تحقق جرمی موثر است. در جرم سیاسی، انگیزه اصلاح امور کشور در تحقق جرم سیاسی موثر است. خاطر نشان باید کرد که اگر مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد، تحت عنوان مجرمانه دیگری تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. طبق ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی، باب پنجم تعزیرات، توهین به مقامات، مجازات سه تا شش ماه حبس یا تا ۷۴ ضربه شلاق یا تا ۱۰۰ هزار تومان جزای

نقدی در پی خواهد داشت. حالیه اگر فرد با انگیزه اصلاح امور کشور این اقدام را انجام داده باشد، مجرم سیاسی شناخته می شود.

طبق ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی، باب پنجم تعزیرات، نشر اکاذیب، مجازات دو ماه تا دو سال یا شلاق تا ۷۴ ضربه میباشد که اگر با انگیزه اصلاح امور کشور انجام دهد، مجرم سیاسی شناخته می شود.

اصولا تاریخ جوامع بشری حکایت از این حقیقت دارد که ظهور مطبوعات سبب تحولات عظیم و رشد فکری و سیاسی جوامع بشری شده است و به همان اندازه که بعضی مطبوعات حکومتی در خدمت امیال دولتمردان قرار گرفته اند، مطبوعات آزاد در بیان حقایق، حرکت در راستای حقوق انسان ها و روشنگری افراد مؤثر بوده اند و زمینه های لازم را برای طرح انتقادات و ایرادات فراهم نموده اند و از این رو است که غالب جوامع مطبوعاتی کشورها، همواره در یک ستیز و درگیری دائمی با قدرتها بوده اند.

مطبوعات به دلیل دارا بودن کارکردهای مثبت و سازنده ای در فرهنگ و تمدن بشری چون اطلاع رسانی، انباشت و انفجار اطلاعات، تبادل افکار و اندیشه ها، توسعه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، نظارت و کنترل حکومت، گسترش آزادی های سیاسی و مدنی، همچنین در اثر نفوذ و سلطه ای که در اذهان عمومی ایجاد می کنند، به یک نهاد قدرتمند تبدیل شده و توانسته اند عنوان رکن چهارم دموکراسی یا حاکمیت و مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی خویش را به خود اختصاص داده و از نظارت همگانی در اسلام نیز بهترین ابزار تحقق امر به معروف و نهی از منکر تلقی گردند. اما همین پدیده همانند سایر مصنوعات بشری علی رغم داشتن آثار خصوصیات مثبت فراوان در حد یک عنصر فعال و خطرناک دارای عوارض و پیامدهای منفی نیز می باشند.

مطبوعات، چنانچه از صفات پسندیده لازم خود را غنی نساخته از یک روش اخلاقی صحیح و شایسته پیروی نکنند، از طریق تبلیغات گسترده و دامنه داری که در اختیار دارند به علاوه به لحاظ داشتن مخاطبان زیاد می توانند باعث دگرگونی و نابودی ارزش های مثبت

انسانی و تحمیل الگوهای ضد ارزشی و بزهکارانه به اجتماع گردیده، موجبات تضعیف امنیت ملی یا تشدید احساس نا امنی را فراهم نموده و گرایش های ضد اجتماعی و اعمال بزهکارانه از قبیل تحریک به اختلافات قومی و نژادی، تجاوز به حریم خصوصی افراد، تهییج به انجام اعمال خلاف عفت و اخلاق عمومی، توهین و هتک حرمت افراد و مسئولان، اخلال در سیستم قضایی کشور، انتشار اخبار نادرست، و ... را پرورش دهند. شاید با توجه به همین نقش شگرف مطبوعات باشد که برخی از جرم شناسان و روانشناسان اجتماعی، رسانه های گروهی و به ویژه مطبوعات را منبع اساسی « نشر نا امنی » و یا « احساس ناامنی » می دانند. با این حال، در خصوص تأثیر منفی مطبوعات نباید اغراق نموده و اصل آن را مضر و مخرب فرهنگ دانست، بلکه بایستی در جهت کاستن از عوارض منفی این ابزار و تقویت دستاوردهای مثبت آن گام برداشت. بدیهی است که نیل به این مقصود جز با وضع قواعد و مقررات متناسب با آزادی مطبوعات، یعنی از طریق یک نوع سیاست جنایی صحیح و منطقی که بین حقوق و آزادی های مطبوعات از سویی و حقوق و حرمت اشخاص و حکومت از سوی دیگر توازن و تعادل برقرار نماید، میسر نخواهد بود.

همچنین این قوانین نباید به گونه ای باشد که باعث محدودیت مطبوعات این رکن چهارم دموکراسی گردد و آن را از کارکرد اصلی خود دور سازد. در امر چاپ و نشر مطبوعات افراد زیادی دخیل هستند و قانون گذاری در زمینه جرایم مطبوعاتی باید به گونه ای باشد که آزادی عمل این افراد همراه با امنیت شغلی آنان را فراهم سازد و به هر دلیلی تمامی این افراد را مسئول جرم مطبوعاتی نشناسد و از طرفی نیز روزنه های سوء استفاده افراد از این آزادی عمل را مسدود نماید و با جرم انگاری منطقی و همچنین تعیین مسئولیت کیفری افراد دخیل در جرم مطبوعاتی به طور شفاف، در راه اعتلای بیشتر مطبوعات بکوشد.

## مفهوم مسئولیت

در هر مورد که شخص موظف به جبران خسارت دیگری است می‌گویند در برابر او مسئولیت دارند یا ضامن است این قاعده عادلانه از دیرباز وجود داشته است که هر کس به دیگری ضرر بزند باید آن را جبران کند مگر در مواردی که اصرار به غیر به حکم قانونی باشد یا ضرر که به شخص وارد است ناروا و نامتعارف جلوه نکند. در حقوق کنونی نیز مبنای مسئولیت همین قاعده است منتها چون زیان‌هایی که از کار اشخاص (حقیقی، حقوقی) به دیگران می‌رسد گاه لازمه زندگی اجتماعی است همه این بحث‌ها برای این است که معلوم شود در کجا زیان وارد شده ناروا و خلاف عرف است و باید جبران شود در چه مورد باید آن را به حکم ضرورت تحمل کرد؟ (عالی‌پور، ۱۳۹۰: ۷۴۹).

## مسئولیت کیفری و تاثیر آن بر اشخاص حقوقی

مسئولیت مدنی و کیفری در قدیم با هم مخلوط بوده است مجازات کسی که جرمی مرتکب می‌شود در بسیاری از جرایم پرداختن خسارت به قربانی خود است چنان‌که دیه در اسلام نیز همین مفهوم را داشت در حقوق کنونی نیز با تصویب قانون مجازات اسلامی در کنار قوانین مدنی از این اختلاط متأثر است زیرا دیه هردو چهره مدنی و کیفری را دارد و این سؤال را به وجود می‌آورد که آیا دیه حاوی تمام زیان‌های مادی و معنوی ناشی از جرم است یا زیان دیده می‌تواند علاوه بر دیه زیان‌های اضافی از جمله زیان معنوی را هم از مرتکب جرم بخواهد؟

جمع قوانین راه حل گسترده‌تر را ایجاب می‌کند تا هیچ ضرری جبران نشده باقی نماند به ویژه زیان‌های معنوی که گاه به مراتب مهم‌تر از زیان‌های مادی ناشی از جرم است بر قربانی بی‌گناه تحمیل نشود. با وجود این پاره‌ای از دادگاه‌های کیفری از شمول دیه بر تمام زیان‌های ناشی از جرم سخن می‌گویند و آن را لازمه احترام به قانون جدیدتر می‌دانند. هنوز این دو

مسئولیت شباهت های با هم دارد ولی امروز که حقوق کیفری از حقوق مدنی به طور کامل جدا شده و چهره انتقام جویی مجازات رنگ باخته و به صورت یک واکنش عمومی درآمده است مسئولیت مدنی از جهات گوناگون با مسئولیت کیفری تفاوت پیدا کرده است. هدف از مسئولیت مدنی جبران خسارت زیان دیده است در حالی که مجازات در واقع واکنش یا دفاعی است که جامعه از خود در برابر مجرمان نشان می دهد و به همین جهت نیر هدف در اجرای مجازات نمی تواند به حفظ حقوق خصوصی محدود باشد. مشکل عمده هم در قبول مسئولیت برای اشخاص حقوقی اعمال مسئولیت کیفری و اجرای مجازات های کیفری بر آنهاست که چگونگی اعمال مجازات ها یا این که بر چه کسی اعمال شوند در قانون مبهم است. و این که در کیفرهایی مثل اعدام، حبس و شلاق چگونه بر اشخاص حقوقی اعمال کرد یا حتی مجازات جزای نقدی و ضبط اموال را چه کسی باید تحمل کند در فصل بعدی مورد بحث دقیق قرار می دهیم.

از حیث منبع مسئولیت نیز بین آنها اختلاف آشکار است مسئولیت کیفری تنها در مواردی پیدا می شود. که قانون مقرر داشته است هیچ عملی را نمی توان جرم شناخت مگر این که در قانون مجازات جرم شناخته شده باشد ولی مسئولیت مدنی قلمرو گسترده تر دارد. برای مسئول شناختن کسی لازم نیست در هر مورد قانون نام برده باشد. به عنوان قاعده کلی می توان گفت کسی که برخلاف حق و در اثر بی مبالاتی و بی احتیاطی به دیگری خسارت وارد می آورد باید آن را جبران کند. با وجود این چون دادگاه های کیفری جبران خسارت زیان دیده از جرم را با مجازات حکم می دهند گاه مسئولیت مدنی تابع مسئولیت کیفری می شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۹: ۲۳۱).

دادگاه مدنی نمی توان از وقوع ضرر ناشی از ایراد ضرب حکم به خسارت کند برای بیان همین نکته است که می گویند حکم دادگاه جزا در دادگاه مدنی اعتباری امر مختومه را دارد. قلمرو این در مسئولیت مدنی همراه نیست مانند جرایم سیاسی و ولگردی برعکس بعضی از مسئولیت های مدنی نیز جرم محسوب نمی شود چنان که هرگاه مالکی در ملک خود تصرفی

خارج از حدود متعارف بکند و از این راه زیانی به همسایه برسد از لحاظ مدنی مسئول است ولی مجرم نیست ممکن است تقصیری هم جرم باشد و هم مسئولیت مدنی به بار آورد و به عنوان مثال هرگاه وکیلی که مأمور فروش کالایی است آن را به سود خود پنهان کند درعین حال که مرتکب خیانت در امانت شده است ضامن بهای آن کالا بر مبنای مسئولیت مدنی و غصب نیز هست (عالی پور، ۱۳۹۰).

#### مبانی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

در بین حقوق دانان کشور ما نیز همانند حقوق دانان سایر کشورها بر سر این مسأله که آیا اشخاص حقوقی را می توان از لحاظ کیفری، مسئول شناخت یا خیر بحث و نزاع وجود دارد. اشخاص حقوقی در ایران نیز به دو دسته کلی اشخاص حقوق عمومی و اشخاص حقوقی خصوصی تقسیم و طبقه بندی می شود لذا بحث مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی هر دو دسته فوق را شامل می شود.

در قانون مدنی شخصیت حقوقی پذیرفته شده و مقنن با اعطای شخصیت حقوقی به برخی اجتماعات و تشکیلات راه پذیرش مسئولیت مدنی این اشخاص را هموار ساخته است و بر مسئولیت مدنی این اشخاص تأکید دارد. اعطای شخصیت حقوقی به اشخاص حقوقی و پذیرش مسئولیت مدنی آنها لزوماً بدین معنا نیست که آنها دارای مسئولیت کیفری نیز می باشند لذا این مسأله هم چنان باقی است که آیا مقنن کیفری کشورمان مسئولیت کیفری این اشخاص را پذیرفته است یا خیر؟

در پاسخ باید گفت با مرور و ملاحظه قوانین مختلف کیفری متوجه خواهیم شد که در قوانین جزایی ما به عنوان یک اصل و قاعده کلی به صراحت مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی پذیرفته نشده است و حتی در بسیاری از موارد مقنن صریحاً اعلام داشته هرگاه اشخاص حقوقی مرتکب جرم مورد نظر شود و مسئولیت جزایی متوجه شخص حقوقی گردد

مدیرعامل یا مدیر مسئول شخصیت حقوقی یا کسانی که تصدی امور شخص حقوقی را بر عهده دارند و یا هر شخص که فعل یا ترک فعل او موجب ارتکاب جرم و تخلف شده است، مسئولیت کیفری خواهد داشت ولی گسترش روزافزون جرایم ارتكابی از طرف اشخاص حقوقی و متنبه نشدن آنها با مجازات کردن فرد حقیقی و اعمال کیفرهای سنگین بر افراد بی‌گناه شخص حقوقی و منتفع شدن سایر اشخاص و دلایل محکم موافقان مسئولیت کیفری، مبنایی شد تا دولت‌ها به سمت قبول مسئولیت کیفری بر اشخاص حقوقی حرکت کنند که به اختصار دلایل موافقان و مخالفان مسئولیت کیفری را مورد بررسی قرار می‌دهیم (باریکلو، ۱۳۸۷: ۷۵۸).

### دلایل مخالفان پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

در مقابل کسانی که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، هرچند به طور استثنایی در نظام کیفری کشورها می‌پذیرند برخی معتقدند که مواد یاد شده را نمی‌توان دلیلی بر قبول مسئولیت کیفری شناخت زیرا در برخی از مواد مقنن صریحا اعلام داشته که مسئولیت ارتکاب جرم اشخاص حقوقی بر عهده شخص حقیقی مقصر و مدیران عامل اشخاص حقوقی است یعنی مقنن قصد دارد در ارتکاب همیشه فاعل مادی را مسئول قلمداد نمود یعنی کسانی را که در تحقیق تقسیم خلاف قانون به نحوی کوشیده‌اند به اضافه در مواردی هم که خطاب مقنن به اشخاص حقوقی است تعیین مجازات به تنهایی به معنای پذیرش مسئولیت کیفری نیست.

نخست در بین ضمانت اجرای کیفری باید میان کیفرهای به معنای اخص از یک سو و اقدامات تأمینی از سوی دیگر فرق گذاشت اقداماتی نظیر بستن مؤسسه یا تعطیلی موقت آن و نیز اقدامات تربیتی در مجموع به عنوان تدابیر اجتماعی مستقل از مسئولیت فاعل آن به حساب آمده و نسبت به آن تصمیم‌گیری می‌شود. بنابراین با لحاظ مسئولیت کیفری این اشخاص نمی‌توان در تعیین کم و کیف مجازات‌های یادشده اقدام کرد و به استناد موارد گفت قانونگذاری مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پذیرفته است به خصوص آن که آیین

دادرسی کیفری موجود نیز به هیچ وجه منطبق با وضع شخص حقوقی متهم نیست. به علاوه محکومیت شخصی حقوقی به جریمه نقدی یا هر مجازات دیگری با این شرط صحیح است که پیش از آن در مراحل دادرسی ثابت شود تصمیم هیأت مدیره با ارکان تصمیم گیرنده شخص حقوقی در حدود مقررات خاص ناظر بر فعالیت اشخاص حقوقی بدون رعایت حدنصاب اعضا در هیأت مدیره با مجمع عمومی بوده است و یا هیأت مذکوره به صورت غیرقانونی انتخاب شده است.

در نظام کیفری ایران هیچ گاه از مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی صحبتی به میان نیامده بود رویه قانونی تاکنون بر همین مدار در قانون هر جا سخن از شخص یا کس در مقررات کیفری به میان آمده مخاطبان قانونگذاری انسان‌های طبیعی شناخته است. ولی در قانون کیفری پیش و پس از انقلاب همان طور که ملاحظه شد برخی از مصادیق مجازات اشخاص حقوقی به چشم می‌خورد که مهم این فرض است که قانونگذار مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پذیرفته است برای مثال اصل بیست و یکم متمم قانون اساسی مشروطیت فعالیت انجمن‌ها و اجتماعاتی را که مولد فتنه دینی و دنیوی و مخل نظم نباشد آزاد اعلام نموده بود با این حال قانونگذار همواره درصدد این بود که ارتکاب جرم را از سوی فاعل مادی مسئول قلمداد کند یعنی کسانی که در تحقق تصمیم‌های خلاف قانون به نحوی کوشیده‌اند بی‌شک مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی قابل فرض و تصور نیست بنابراین مسأله یکی از ادله‌ای است که شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را تقویت می‌کند. مع‌الوصف شناسایی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی باید با وضع مقررات کیفری خاص و به ویژه آیین دادرسی متمایز از اشخاص حقیقی قبول و مسجل گردد (نعمانیان، ۱۳۸۶: ۳۸).

آیین دادرسی کیفری قواعد و مقررات است که برای کشف و تحقیق جرایم و تعقیب مجرمان و نحوه رسیدگی به ادله دادرسی و نهایتاً صدور رای و تعیین وظایف و اختیارات مقام تعقیب را معین می‌نماید در جرایم ادله فیزیکی و ملموس می‌توان جمع‌آوری شوند مثلاً اثر انگشت، اسناد، فیلم‌ها، آلات جرم، که این تعریف و ارکان آن با توجه به همان جرایم سنتی

است و برای جرایم جدید به خصوص جرایم رایانه‌ای همخوانی ندارد چون ادله جرم در جرایم کامپیوتری بسیار متفاوت است و با ادله غیرملموس و مشکلات از قبیل نحوه تفتیش، توقیف داده‌ها یا ادله دیجیتالی نحوه اثبات ادله آمده و انتساب آن وجود دارد.

مشکلات حقوقی زیادی در کشف جرایم رایانه‌ای وجود دارد از جمله اخفای جرم از طریق دستکاری در پرینت‌های داده، پردازش یا نمایاندن جرم به عنوان فقر سیستم یا اشتباه، آثار نامرئی که مشکلاتی در مورد پیگیری آثار و پیدا کردن سرخ نمایان می‌شود هم‌چنین سوء استفاده از نام‌ها و شرکت‌های غیرواقعی و کدگذاری مدارک مجرمین با به کارگیری کدگذاری واژه‌ها و دستورالعمل‌های که مانع تعقیب و پیگیری را منحل می‌کنند و امحای مدارک مجرمین که با حذف و پاک کردن داده‌ها مدرک علیه خود را از بین می‌برند و کثرت داده‌ها و وجود تعداد زیادی از داده‌ها پردازش شده مانع از تعقیب است بی‌تجربگی مجریان قانون به دلیل تخصصی بودن جرایم رایانه‌ای یا نارسایی‌های حقوقی و محدودیت‌های مرزی به ویژه در زمینه‌های کیفری، ماهوی و شکلی از جمله مواردی است که مورد استناد افرادی که با مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مخالفند البته هنوز راه‌کارهایی برای مقابله با آن‌ها ارائه نشده و موجب این امر گردیده که هنوز شاهد افرادی مخالف با مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی به خصوص در جرایم رایانه‌ای باشیم (دامغانی، ۱۳۸۲: ۱۴۸).

### دلایل موافقان پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

فکر قبول مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی فکر تازه‌ایست که مقنن کشورها علی‌الخصوص کشورهایی که تحت تأثیر فکر حقوقی لاتین و اروپایی قاره‌ای هستند در قبول این فکر تأمل و بلکه مقاومت دارند. مع‌هذا مقتضات عصر جدید لزوم قبول این فکر را تا آنجا پیش آورده است که قانونگذار کشورها در مواردی حتی ندانسته و بدون این‌که بخواهد خود را با الصراحه با این موضوع آشنا کند در این راه قدم برداشته‌اند (جاویدنیا، ۱۳۸۸: ۴۵۱).

با پیشرفت تکنولوژی و استفاده از رایانه در تمام امور اقتصادی نظامی و اجتماعی جرایم مختلفی می‌توان در حوزه رایانه‌ای رخ دهد لذا قانونگذار برای مبارزه و پیشگیری از این جرایم در سال ۱۳۸۸ اقدام به تصویب قانون جرایم رایانه‌ای در ۵۶ ماده نمود. در حقوق ایران نه در قانون تجارت الکترونیک و نه در قانون جرایم رایانه‌ای هیچ تعریفی از این مفهوم ارائه نشده است.

شاید دلیل آن هم اختلافات مبنای است که میان حقوقدانان از تعریف جرایم رایانه‌ای وجود دارد. از آنجا که در قانون جرایم رایانه‌ای مسئولیت کیفری و مجازات‌های تعیین شده برای اشخاص حقوقی تنها در آن قانون و جرائم موضوع آن جرائم رایانه‌ای می‌باشد، این قانون به عنوان یک قانون خاص مبادرت به شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی نموده است. مدتی بعد و در سال ۹۰ با تصویب قانون مجازات اسلامی قانون گذار به شرط مواد ۲۰ الی ۲۲ و ماده‌ی ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی مسئولیت کیفری و مجازات اشخاص حقوقی را به طور عام مورد پذیرش قرار داد.

بر اساس مفاد ماده‌ی ۱۴۱ قانون مجازات اسلامی در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده‌ی قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست با دقت در قانون جدید که در واقع اقتباسی از قانون کیفری ۱۹۹۴ و اصلاحیه دوم مارس ۲۰۰۴ قانون کیفری نوین فرانسه می‌باشد املاک محرز و مسلم می‌گردد که قانون گذار ایران همانند قانون گذار فرانسه از آموزه‌ای حقوقی غالب بر پذیرش اصل عام بودن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی تبعیت نموده و بدین طریق اشخاص حقوقی را همانند اشخاص حقیقی تلقی نموده است.

### مبانی مسئولیت کیفری در قلمرو مطبوعات

مسئولیت کیفری عبارت است از نیروی الزام آور عرف و یا هدف هایی که قانونگذاران جزایی با رعایت شرایط و عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، جامعه خود برای تنظیم روابط مردم در یک مقطع زمانی خاص مورد توجه قرار داده و با تدوین قوانین کیفری از آن حمایت می کنند و نمی توان ت صورتی که هیچ قانونگذاری از رعایت مصلحت جامعه به طور کلی غافل مانده باشد.

مطبوعات، به عنوان یک وسیله انتشار پیام، نقش مثبت و سازنده ای را در فرهنگ و تمدن بشری ایفا کرده است؛ به طوری که امروزه با وجود هجوم وسایل ارتباط جمعی جدید و ماهواره ها، مطبوعات هنوز قدرت و جایگاه خود را در جامعه بشری حفظ کرده است. البته این وسیله و محتوای پیام آن همانند سایر دستاورد های بشری، می تواند دارای عوارض منفی اجتماعی نیز باشد؛ اما در جنبه منفی مطبوعات نباید زیاده روی کرد و اصل آن را مضر و مخرب فرهنگی دانست؛ بلکه باید در جهت کاستن از عوارض منفی و تقویت جنبه های مثبت آن گام برداشت. می دانیم که مبانی مسئولیت کیفری در قلمرو مطبوعات به نوعی همان مبانی جرم انگاری در قلمرو مطبوعات است و وقتی قانون و قانون گذار عملی را با توجه به مبانی موجود جرم می داند به دنبال آن مسئولیت کیفری فرد مرتکب نیز مشخص می شود یعنی مسئولیت متوجه شخصی است که مرتکب عملی شده است که از طرف قانون و قانون گذار به عنوان جرم شناخته می شود. شناخت مبانی جرم انگاری در قلمرو مطبوعات، بدون شناخت مبانی آزادی مطبوعات، غیر ممکن است.

### حراست از حقوق و آزادی مطبوعات

به طور کلی، در دو نظام (غرب و اسلام)، حق آزادی از حقوق اساسی انسان ها تلقی شده است، دولت و اجتماع را در آماده کردن محیط زندگی برای برخورداری از این حق اساسی مسئول می دانند.

مبانی آزادی مطبوعات در غرب به ویژه بعد از رسانس بر اساس نظریه انسان گرایی (اومانیزم) شکل گرفته است. با ملاحظه و بررسی تحولات تاریخی در برخی از کشورهای غربی مشخص می شود، مبانی آزادی و محدودیت مطبوعات در آغاز با ارائه سه نظریه مشهور به «تئودور - استوارت»، «بلک استون - من فیلد» و «کامدن - ارسکین» شکل گرفت. در نظریه اول، کنترل دولت بر مطبوعات لازمه ثبات، امنیت و رفاه جامعه تلقی شده است و تضعیف یا خدشه در امنیت جامعه توسط مطبوعات، کنترل یا حتی سرکوب را از ناحیه دولت ایجاب می کند.

طبق نظریه بلک استون - منس فیلد، که در قرن هجدهم تا حدودی پذیرفته شد، اساس آزادی و محدودیت مطبوعات بر تصمیم و حاکمیت نظر پارلمان به عنوان نماینده مردم است و تنها با قوانین مصوب پارلمان می توان مطبوعات را محدود و برای آن مجازات تعیین کرد. در دیدگاه سوم (کامدن - ارسکین)، مبنای آزادی مطبوعات نه حکومت است و نه پارلمان، بلکه آزادی بر طبق قانون الهی و به عنوان یکی از مصادیق حقوق طبیعی بشر است که هیچ قدرت ساخته دست بشری حق محدود کردن آن را ندارد. مطابق این نظر، حکومت حتی برای نجات خود از نابودی نیز حق اعمال محدودیت بر مطبوعات را ندارد. این نظریه در پایان قرن هجدهم بیان شد و در قرن نوزدهم در انگلستان پذیرفته شد و توسط جفرسون نیز در قرن ۱۸ در آمریکا نیز ارائه گردید و در اعلامیه استقلال تجلی یافته بود (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۵: ۸۱).

در حال حاضر در غرب نظریه های جدیدی در قلمرو آزادی مطبوعات در حال ایجاد و شکل گیری است. در نظریه مسئولیت اجتماعی مطبوعات که در مقابل نظریه آزادی مطبوعات مطرح شده است، برای مطبوعات نیز همانند شهروندان، وظایف و مسئولیت هایی پیش بینی شده است؛ به این معنا که مطبوعات تنها دارای حق نی ستند بلکه وظیفه و تکلیف آگاهی دادن به شهروندان و فراهم آوردن زمینه های مشارکت مردم در سرنوشت خویش و همچنین در عرصه سیاسی کشور را نیز دارا می باشند.

آزادی مطبوعات در کشور ایران با تأثیر از ملاحظیات تاریخی و فرهنگی خاص کشور، متأثر از بینش اسلامی می باشد. آزادی عقیده و بیان که مبنای اصلی آزادی مطبوعات است، در اسلام با برداشت های گوناگون دینی و فقهی همراه است. با مراجعه به کتاب های دینی و فقهی و اقوال دینداران شاید نتوان در این خصوص به اجماعی دست یافت. پاره ای از نظریات دینی نسبت به آزادی نظر مثبتی نداشته، سعی دارند با دلایل عقلی و نقلی دایره آزادی را تا حد امکان به ویژه در قلمرو مسایل دینی محدود کنند. این گرایش، به ظاهر در انقلاب اسلامی ایران مورد اقبال عامه قرار نگرفت، بلکه گرایش به آزادی در مفهوم عامه و نیز آزادی بیان و مطبوعات از جمله اولین شعارهای مردم و رهبران انقلاب بود و در نتیجه قرائتی مورد قبول واقع گشت که در آن، اسلام دین آزادی است، دینی که مروج آزادی برای همه افراد جامعه است. در سوره دهر می خوانیم: "انا هدینا السبیل اما شاکره و اما کفورہ (سوره دهر آیه ۳) یا در سوره کهف "فمن شاء فلیو من و من شاء فلیکفر... (سوره کهف، آیه ۲۹)، بنابراین هر کس می باید فکر و بیان و قلمش آزاد باشد و تنها در چنین صورتی است که انقلاب اسلامی ما، راه صحیح پیروزی را ادامه خواهد داد (مطهری، ۱۳۷۶: ۳۲۰).

با توجه به آن چه گفته شد و همچنین با توجه به متون بین المللی می توان آزادی مطبوعات را دارای چند رکن اساسی زیر دانست؛ که شایسته است در این زمینه ها به نفع آزادی مطبوعات جرم انگاری شود تا بتوان به خوبی از این حق اساسی سود برد:

۱- آزادی دریافت اخبار و اطلاعات

۲- آزادی در انتقال پیام

۳- آزادی در محتوای پیام

۴- آزادی در گستره پیام

۵- ممنوعیت سانسور با نظارت پیش از انتشار (محمدی، ۱۳۹۰: ۳۴).

### مصونیت قانونی در قلمرو جرایم مطبوعاتی

یکی از ویژگی های مهم جرایم مطبوعاتی، که بعد از اثبات مسئولیت کیفری مرتکبین در مرحله تعقیب و دادرسی آنها مورد توجه قرار می گیرد، پیش بینی قانونی مصونیت های پارلمانی و قضایی مربوط به جرایم مطبوعاتی است که رافع مسئولیت کیفری مرتکبین در این قلمرو می باشد.

ضرورت وجود این مصونیت ها از دو جهت قابل توجیه است. مصونیت های یاد شده از یک سو، آزادی بیان گفتاری و نوشتاری در مذاکرات و مباحثات پارلمانی و قضایی را تامین و تسهیل می کند و از سمتی دیگر به موازات آن، آزادی مطبوعات را در جهت تهیه و ارائه گزارش های مربوط به این مذاکرات و مباحثات را به خوبی تضمین می کند و سبب می شود که دست اندر کاران عرصه مطبوعات مدیر مسئول، سردبیر، نویسنده، خبرنگار و ... با فراق بال بیشتری به تهیه این گزارش ها به پردازند و نگران به خطر افتادن امنیت شغلی خویش نباشند.

این گونه مصونیت های پارلمانی و قضایی مورد نظر در قوانین مطبوعات برخی از کشورها را نباید به عنوان امتیاز های خاص و ویژه ی استفاده کنندگان به آنها تلقی کرد، بلکه باید آنها را به منزله ی شیوه های تأمین شفافیت کامل فعالیت های پارلمانی و قضایی و تحکیم آزادی بیان، اطلاعات و مطبوعات در این زمینه ها، به شمار آورد.

### مصونیت های موجود در قلمرو جرایم مطبوعاتی در قوانین ایران

همان طور که قبلا گفته شد مصونیت های قانونی یاد شده در بند های قبلی در قانون مطبوعات و دیگر قوانین کشورمان به طور صریح برای مطبوعات و دیگر رسانه ها پیش بینی نشده است ولی شاید بتوان با توجه به مفهوم برخی از مواد قوانین، این گونه مصونیت ها را به طور ضمنی و نسبی برای مطبوعات در نظر گرفت.

#### ۱) مصونیت پارلمانی

بر اساس اصل ۸۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رای خود کاملا آزادند و نمی توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده اند یا آرایی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده اند تعقیب یا توقیف کرد.

اصل مذکور، ظاهرا موجبات امنیت خاطر نمایندگان مجلس شورای اسلامی را در ایفای وظایف نمایندگی فراهم نموده است. با توجه به این مصونیت نمایندگان مجلس در ایران، شاید بتوان انعکاس صحیح و بی کم کاست جریان جلسات علنی مجلس از سوی مطبوعات را دارای مصونیت دانست و اگر این انعکاس مشمول توهین به دیگری باشد روزنامه مورد نظر را از تعقیب و مجازات معاف دانست، هرچند مصونیت نمایندگان نیز در رویه فعلی محاکم دادگستری مطلق قلمداد نمی شود. در این خصوص علاوه بر نظر تفسیری شورای نگهبان می توان به محکومیت برخی از نمایندگان در قبال سخنرانی های پیش از دستور مجلس اشاره کرد.

همچنین در ماده ۸ قانون نحوه اجرای اصل نودم قانون اساسی (مصوب ۲۵ آبان ۱۳۶۵) انتشار گزارش های مربوط به عموم، که کمیسیون اصل نودم از طریق تریبون مجلس اعلام می کند بدون هیچ گونه تغییر و تفسیری مجاز اعلام شده است (محمدی، ۱۳۸۳: ۲۵).

## ۲- مصونیت قضایی

از مفهوم مخالف ماده ۲۹ قانون مطبوعات که «انتشار مذاکرات غیر علنی محاکم دادگستری» راجرم دانسته است می توان نتیجه گرفت که انتشار مذاکرات علنی محاکم دادگستری جرم نیست و مطبوعات می توانند از جریان این محاکمات گزارش تهیه و منتشر کنند. همچنین به موجب تبصره یک (اصلاحی ۳/۲۴/۱۳۸۵) ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، ... خبرنگاران رسانه ها می توانند با حضور در دادگاه از جریان رسیدگی گزارش مکتوب تهیه کرده و بدون ذکر نام یا مشخصاتی که معرف هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی شاکی و متشکی عنه باشد منتشر نمایند....

از مجموع این مواد میتوان نتیجه گرفت تهیه و انتشار گزارش مکتوب از جریان رسیدگی دادگاه های علنی می تواند دارای مصونیت باشد و در این زمینه مطبوعات می تواند از تعقیب و مجازات مصون بمانند.

## مسئولیت کیفری از دیدگاه حقوق مطبوعات ایران

با مراجعه به قانون مطبوعات ۱۳۶۴، ملاحظه می گردد که در این قانون به لحاظ عدم پیروی قانون گذار از یکی از نظریات شناخته شده در این زمینه م مسئولیت همه عوامل، مسئولیت ترتیبی و مسئولیت شخصی، شناخت مسئولیت کیفری مرتکبین جرایم مطبوعاتی با پیچیدگی خاصی مواجه بوده و ابهاماتی به شرح ذیل در این خصوص مشهود بود. اولاً تبصره ۲ ماده ۱۹ این قانون مقرر می داشت: « صاحب امتیاز در قبال خط مشیدکلی نشریه مسئول خواهد بود و مسئولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می رسد و دیگر امور در رابطه با نشریه به عهده مدیر مسئول خواهد بود. در این تبصره، از یک سو منظور از خط مشی نشریه که صاحب امتیاز مسئول آن است، مشخص نبود و از سوی دیگر، حدود و نوع

مسئولیت صاحب امتیاز و مدیر مسئول به تفکیک بیان نشده بود. ثانیه مقنن در مواد ۲۴، ۲۵ و ۲۶ قانون مطبوعات در تعیین مرتکب جرم، از عبارات اشخاصی که و هرکس و در بیان عمل مرتکب، از عبارات فاش و منتشر کند، اهانت کند، استفاده نموده بود. این عبارات، همه ظهور در مسئولیت نویسنده مطلب داشت.

همچنین قانون گذار در ماده ۲۷ این قانون، به صراحت از مسئولیت نویسنده مطلب سخن گفته بود. به این ترتیب، این بحث در قانون مطبوعات مطرح بود که آیا مسئولیت کیفری نویسنده به صورت حصری بوده و فقط در این چند مورد خاص است و یا این که نویسنده در مقابل ارتکاب هر جرم مطبوعاتی دیگر نیز مسئول است. ثالثاً قانون مطبوعات در خصوص مسئولیت کیفری سایر دست اندرکاران نشر، چاپ و توزیع مطلب مجرمانه (سردبیر، خبرنگار، عکاس، حروف چین، طراح، ویراستار، چاپ کننده و توزیع کننده) ساکت بوده و مشخص نبود که این سکوت قانون را باید مبنی به عدم مسئولیت آنان دانست و یا این که برای آنان مسئولیت مستقلی قائل شد. رابعاً به فرض مسئول دانستن نویسنده با دست اندرکاران مطبوعات و این که م مسئولیت مدیر م سئول رافع م سئولیت آنان نی ست، م شخص نبود که آیا مسئولیت آنان از باب مباشرت، شرکت یا معاونت در جرم مطبوعاتی بوده و تضمینات این جرم نظیر علنی بودن و حضور هیئت منصفه در دادرسی های آنان لازم است و یا این که جرایم آنان مطبوعاتی تلقی نشده و در نتیجه وجود چنین تضمیناتی در دادرسی آنان ضرورتی ندارد.

در اصلاحیه قانون مطبوعات در سال ۱۳۷۹، قانون گذار با اطلاع یافتن از ابهامات موجود ضمن ابقاء موارد مذکور با الحاق نمودن تب صره ای تحت عنوان تب صره ۷ به ماده ۹ قانون مطبوعات، به زعم خویش در صدد رفع آنها بر آمد. به موجب این تبصره:

مسئولیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می شود به عهده مدیر مسئول است ولی این مسئولیت نافی مسئولیت نویسنده و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند، نخواهد بود.

## مسئولیت کیفری صاحب امتیاز و مدیر مسئول

### ۱- مسئولیت کیفری صاحب امتیاز

به موجب قانون مطبوعات، اخذ پروانه از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از جمله شرایط لازم برای انتشار هر یک از مطبوعات کشور می باشد. مطابق این قانون، صاحب امتیاز یک نشریه کسی است که از سوی هیئت نظارت بر مطبوعات، حائز شرایط مقرر در قانون مطبوعات شناخته شده و پروانه انتشار نشریه را از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت نموده است. بر اساس تبصره ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات: صاحب امتیاز در قبال خط مشی کلی نشریه مسئول است... (گرچه مفهوم این مسئولیت را قانونگذار مسکوت گذارده است، با این حال متبادر به ذهن این است که مسئولیت مندرج در این تبصره را باید ناظر به عدم رعایت تشریفات قانونی که صاحب امتیاز ملزم به رعایت آن است، دانست. البته در قانون مطبوعات، برای عدم رعایت بعضی تشریفات قانونی از ناحیه صاحب امتیاز، هیچگونه ضمانت اجرایی تعیین نشده بود و در حقیقت صاحب امتیاز مسئولیت مشخص قانونی در قبال عدم رعایت آن نداشت. در حال حاضر، به نظر می رسد که این نقص با اصلاح ماده ۳۵ قانون مطبوعات ولو به صورت غیر اصولی رفع گردیده است. همچنین عدم رعایت بعضی از وظایف و مسئولیت های قانونی از ناحیه صاحب امتیاز، موجب ممانعت از انتشار یا لغو پروانه نشریه وی از سوی هیئت نظارت بر مطبوعات می گردد. این شرایط در مواد ۱۴ و ۱۶ قانون مطبوعات پیش بینی شده است. به موجب ماده ۱۴ این قانون: «در صورتی که مدیر مسئول شرایط مندرج در ماده ۹ را فاقد گردد، یا فوت شود یا استعفا دهد، صاحب امتیاز موظف است حداکثر ظرف مدت ۳ ماه شخص دیگری را که واجد شرایط باشد به وزارت ارشاد اسلامی معرفی کند، در غیر این صورت از انتشار نشریه او جلوگیری می شود و تا زمانی که صلاحیت مدیر به تأیید نرسیده است، مسئولیت های مدیر به عهده صاحب امتیاز است.

همچنین به موجب ماده ۱۶ این قانون: صاحب امتیاز موظف است ظرف ۶ ماه پس از صدور پروانه نشریه مربوط را منتشر کند و در غیر این صورت با یک اخطار کتبی و دادن فرصت پانزده روز دیگر و در صورت عدم عذر موجه اعتبار پروانه از بین می رود، عدم انتشار منظم نشریه در یک سال نیز اگر بدون عذر موجه (به تشخیص هیئت نظارت) باشد، موجب لغو پروانه خواهد بود.»

قبل از اصلاحیه اخیر قانون مطبوعات، دارنده پروانه و یا به تعبیر قانون مطبوعات صاحب امتیاز، تنها در یک مورد مسئولیت کیفری داشت که آن هم در ذیل ماده ۱۴ قانون مطبوعات به این شرح پیش بینی شده بود؛ «تا زمانی که صلاحیت مدیر به تأیید نرسیده است، مسئولیت های مدیر به عهده صاحب امتیاز است.» یعنی در فاصله زمانی معرفی مدیر مسئول جدید و تأیید صلاحیت وی توسط هیئت نظارت بر مطبوعات، تمامی مسئولیت های او و از جمله مسئولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می رسد، به عهده خود صاحب امتیاز خواهد بود. به جز مورد فوق، دارنده پروانه هیچ گاه مسئولیت کیفری نداشته و مسئولیت کیفری مذکور در ماده ۳۲ قانون مطبوعات، مصداقی از مسئولیت کیفری صاحب امتیاز در این قانون تلقی نمی شد. زیرا مطابق این ماده، شخص صی که خود را بر خلاف واقع صاحب امتیاز معرفی می نماید، در واقع دارنده امتیاز نیست تا چنین مجازاتی ناظر به سمت صاحب امتیازی وی باشد.

در اصلاحیه قانون مطبوعات و با اصلاح ماده ۳۵ این قانون، به نظر می رسد مسئولیت کیفری دارنده پروانه افزایش یافته است. به این صورت که، ضمانت اجرای کیفری مندرج در این ماده، شامل موارد مذکور در مواد ۷ و ۱۸ این قانون که ناظر به تشریفات چاپ و انتشار نشریات بوده و صاحب امتیاز موظف به رعایت آنهاست، نیز گردیده و در صورت عدم رعایت این شرایط از سوی صاحب امتیاز، ضمانت اجرای مذکور در مورد وی اعمال خواهد شد.

- جرایمی که بر اساس قانون مطبوعات در نتیجه ارتکاب آن، صاحب امتیاز نشریه مورد تعقیب و محاکمه قرار می‌گیرد عبارتند از :
- \* عدم رعایت خط مشی کلی نشریه
  - \* چاپ و انتشار نشریه فاقد پروانه یا تعطیل شده مغایرت اکثر مطالب نشریه با تعهد قانونی تشابه نام، علامت و شکل نشریه با نشریات دیگر
  - \* عدم ذکر شناسنامه نشریه
  - \* استفاده از کمک های خارجی
  - \* واگذاری امتیاز نشریه

#### مسئولیت کیفی مدیر مسئول

بر اساس قانون مطبوعات، برای انتشار هر نشریه افزون بر دارنده پروانه که در قبال خط مشی کلی نشریه مسئول است، وجود شخص دیگری تحت عنوان مدیر مسئول نیز الزامی است. ماده ۹ این قانون که بیان کننده شرایط اشخاص متقاضی پروانه انتشار است، در تبصره نخست خود مقرر می‌دارد؛ متقاضی انتشار نشریه موظف است خود یا شخص دیگری را به عنوان مدیر مسئول واجد شرایط مندرج در این ماده معرفی می‌نماید.

پس از معرفی مدیر مسئول، از آنجا که روزنامه نگاری کار دسته جمعی بوده و صدور مجوز چاپ و انتشار مطالب (مجرمانه) از جانب وی به عمل می‌آید، لذا قانون گذار برای اداره نشریه و نظارت و کنترل نهایی به انتشار آن نقش اساسی برای مدیر مسئول قائل شده و وی را پاسخگوی اصلی جرایم مطبوعاتی می‌داند. چنانکه، اطلاق عنوان مسئول به مدیر نشریه در قانون مطبوعات، موید همین مطلب است. واژه مدیر مسئول به نوعی بیانگر اهمیت چنین فردی بر اداره نشریه است و نشان می‌دهد وی غیر از مدیر اجرایی، مدیر اداری و مدیر مالی نیز هست و جایگاه فراتر از دیگر دست اندرکاران نشریه دارد. سردبیر

نشریه یا هیئت تحریریه نیز زیر نظر او انجام وظیفه می کنند و از این رو از قید « مسئول » استفاده شده است که دایره شمولش و سیع است و وظایف و مسئولیت های خاصی را شامل می شود.

در قانون مطبوعات (۱۳۶۴)، با وجود تبصره ۴ ماده ۹ آن قانون مبنی بر این که « مسئولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می رسد و دیگر امور در رابطه با نشریه به عهده مدیر مسئول است»، قانون گذار مجددا در جرایم مندرج در مواد ۲۷، ۳۰ و ۳۱ آن قانون، به م مسئولیت مدیر م سئول اشاره داشت. این امر، اختلاف نظرهایی را به وجود آورده بود. چنانکه، از نظر برخی و بخصوص قضات دادگاه ها)

مسئولیت تمامی امور نشریه به عهده مدیر مسئول بوده و تصریح قانون مطبوعات به مسئولیت کیفری مدیر م سئول در ۳ جرم فوق الذکر صرفا از باب تأکید موضوع بوده و این تأکید رافع م سئولیت کیفری وی در سایر جرایم مطبوعاتی نیست» (اسماعیلی، ۱۳۸۰: ۸۶).

## مسئولیت کیفری نویسندگان و خبرنگاران مطبوعاتی و سایر اشخاص

### مسئولیت کیفری نویسندگان

طبق ماده یک آئین نامه نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران مصوب ۱۳۵۴/۶/۲۲: «نویسنده مطبوعاتی شخصی است که بطور حرفه ای به کار نویسندگی با ترجمه در روزنامه یا مجلات مشغول و دارای پروانه از وزارت اطلاعات و جهانگردی باشد».

در قانون مطبوعات (۱۳۶۴)، ماده ۲۷ آن قانون صراحتا به مسئولیت کیفری نویسندگان در کنار مدیر مسئول اشاره داشت. همچنین در مواد ۲۴، ۲۵ و ۲۶ قانون مذکور، قانون گذار عبارات «هرکس» و اشخاصی که برای تعیین مرتکب جرم و نیز از واژگان «فاش و منتشر کردن»، «تشویق و تحریص کردن» و «اهانت کردن» برای بیان عمل مرتکب استفاده نموده بود

که به صورت ضمنی بر مسئولیت کیفری نویسنده دلالت می گردند. این امر، موجب بروز اختلاف نظرهایی شده بود. چنانکه، عده ای اقلیت معتقد بودند؛ از آنجا که قانون گذار در تبصره ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات، مسئولیت یکایک مطالب منتشره در نشریه را به عهده مدیر مسئول گذارده و اصل ۳۶ قانون اساسی نیز حکم به مجازات و اجرای آن را فقط بر اساس قانون مجاز شمرده است، لذا می توان نتیجه گرفت که در جرایم ارتكابی به وسیله مطبوعات، اصل بر عدم مسئولیت کیفری نویسندگان می باشد مگر در موارد استثنایی مندرج در مواد یاد شده یا سایر قوانین خاص دیگری که در این صورت نیز نفس عمل جرم عادی بوده و جدا از جرم مطبوعاتی تلقی خواهد شد (مقدم فر، ۱۳۹۷: ۹۲). در مقابل، عده ای دیگر «اکثریت» معتقد بودند: بر اساس اصل شخصی بودن جرایم و مجازات ها و قاعده فقهی لاترزو و ازره و زر اخری، «هر کس مسئول اعمال مجرمانه خویش بوده و مسئول نبودن اشخاص در صورت ارتكاب جرم (چه از طریق مطبوعات یا غیر آن نیاز به تصریح قانون دارد که آن هم در زمینه نویسنده و پدید آورندگان آثار مطبوعاتی منتفی است. لذا تأکید بر مسئولیت مدیر مسئول در تبصره ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات را نمی توان به عنوان یک متن قانونی و در معنای رفع مسئولیت نویسنده و سایر پدید آورندگان دانست؛ زیرا مسئولیت کیفری مدیرمسئول یک نوع مسئولیت استقلالی ناشی از ارتكاب جرم مطبوعاتی (انتشار مطلب مجرمانه در نشریه تحت مدیریت خود است و این مسئولیت ناشی از فعل غیر (نویسنده، طراح و ...) نمی باشد (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۵: ۱۴۲).

### مسئولیت کیفری خبرنگاران مطبوعاتی

قانون مطبوعات متعرض مسئولیت خبرنگاران جراید نشده اما از آنجا که می تواند عمده مطالب منتشره در مطبوعات که جنبه محرمانه دارد، ناشی از اخبار ارائه شده توسط خبرنگاران باشد لذا در این مبحث به تبیین مسئولیت کیفری خبرنگاران مبادرت می شود.» خبرنگار، نماینده روزنامه، مجله، خبرگزاری و یا مؤسسه ای است که به موجب پروانه صادره از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به این سمت شناخته شده است.»

خبرنگاران که در سرویس ها و بخش های مختلف مطبوعات فعالیت دارند نسبت به تهیه اخبار گوناگون مبادرت می نمایند لذا باید در انعکاس اخبار کمال صداقت و امانت را رعایت نمایند تا به شیخ صیت و حیثیت افراد لطمه ای وارد نشده و با درج اخبار عاری از واقعیت در جراید جو جامعه را آلوده نمایند. و از این رو حرفه خبرنگاری از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و خبرنگار باید دارای صفات ویژه ای باشد، فردی تیز بین، روشن و صادق باشد و علاوه بر آن، طبق ماده ۵ آیین نامه نوی سندگان مطبوعاتی و خبرنگاران باید دارای شرایط ذیل باشد:

الف - تابعیت ایران

ب - داشتن بیست سال تمام برای خبرنگاران امور اجتماعی و بیست و پنج سال سن برای خبرنگاران سیاسی

ج - دارا بودن دانش نامه لی سانس یا مدارک تح صیلی معادل آن برای خبرنگاران سیاسی و داشتن تح صیلات کامل دبیرستان و یا مدرک تحصیلی معادل آن برای خبرنگاران امور اجتماعی.

د - داشتن حسن شهرت

ه- نداشتن سابقه محکومیت کیفری که موجب سلب حقوق اجتماعی باشد.

و- آشنایی به یکی از زبان های خارجی برای خبرنگاران سیاسی و همچنین خبرنگاران

مطبوعاتی در خارج از کشور

ز- ارائه معرفی نامه از طرف روزنامه، مجله، خبرگزاری و یا مؤسسه مربوطه «  
نظر به اینکه اخبار مندرج در جراید از سوی خبرنگاران تهیه و به مطبوعات ارائه می شود  
در صورت درج اخبار خلاف حقیقت نمی توان خبرنگاران را عاری از م سئولیت قلمداد نمود.  
ماده ۱۷ آیین نامه نوی سندگان مطبوعاتی و خبرنگاران به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
اجازه داده تا پروانه خبرنگاران متخلف را برای بار اول برای مدت سه ماه و بار دوم برای  
مدت شش ماه و در صورت تکرار برای همیشه لغو نماید مطابق ماده فوق این تخلفات  
به شرح ذیل است:

- ۱- تهیه مطالب دروغ و تنظیم خبر های نادر ست با علم به نادر ستی آنها و مواردی که  
طبق قوانین جزایی ن شر اکاذیب تلقی می شود.
- ۲- افشای مسائلی که با حیثیت و عفت خانوادگی اشخاص منافات دارد.
- ۳- انتشار هر مطلبی که بر خلاف قانون مطبوعات باشد.

در صورتی که نوی سنده مطبوعاتی با خبرنگار، به سبب تهیه مطالب خلاف قانون یا تنظیم  
خبر های نادر ست و ن شر اکاذیب تحت تعقیب قرار گیرد از تاریخ صدور کیفر خوا ست،  
پروانه او از طرف وزارت فرهنگ و ار شاد اسلامی توقیف و در صورت برائت مسترد و الا  
ابطال خواهد شد.»

خبرنگاران در صورت تخلف و تهیه مطالب موضوع ماده ۱۷ تصویب نامه فوق و انتشار  
مطالب ممنوعه علاوه بر مجازات لغو پروانه خبرنگاری قابل تعقیب بر حسب قانون مطبوعات  
بوده و مسئول خواهند بود.

### مسئولیت کیفری سایر اشخاص

روشن است که در عرصه مطبوعات، غیر از صاحب امتیاز، مدیر مسئول، نویسنده و پدید آورنده آثار چاپ شده، افراد دیگری نیز در امر چاپ، نشر و توزیع نشریات دخالت دارند، از جمله این افراد می توان به سر دبیر بخش، خبرنگار (نماینده رسمی ن شریه)، ویراستار، حروف چین، چاپ کنندگان و توزیع کنندگان (کلی و جزئی) اشاره نمود.

قانون مطبوعات (۱۳۶۴) در خصوص مسئولیت کیفری این افراد ساکت بود. بنابر این، صاحب نظران سکوت قانون گذار را بر این مبنا قرار می دادند که علی الاصول اعمال دست اندرکاران مطبوعات نظیر سردبیر، خبرنگار، ویراستار، حروف چین و ... جرم نبوده و مستوجب مجازات نیست مگر اینکه مستند قانونی صریحی در خصوص مسئولیت کیفری آنان در سایر قوانین موجود کشور وجود داشته باشد. چنانکه در مورد توزیع کنندگان و فروشندگان مطبوعات خلاف عفت عمومی، بندهای ۱ و ۳ ماده ۴۶۰ ق.م.ا، صراحتاً عمل آنها را جرم دانسته است، اما در ارتباط با سردبیر، خبرنگار، ویراستار و حروف چین نشریه، عنوان مجرمانه قانونی وجود ندارد. اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در این راستا در نظریه شماره ۱۲۳۵ / ۷ مورخ ۱۳۶۹/۳/۵ چنین اظهار نظر کرده بود: «در قانون مطبوعات ۱۳۶۴، برای خبرنگاری که اخبار کذبی مخابره می نماید، مجازاتی پیش بینی نشده است و لکن چنانچه اخبار کذب مورد مخابره، متضمن بزهی از بزه های مذکور در قوانین جاری باشد، حسب مورد قابل تعقیب در داد سرای عمومی محل وقوع جرم خواهد بود (شهری و ستوده جهرمی، ۱۳۹۳).

در اصلاحیه سال ۷۹ قانون مطبوعات، قانون گذار با الحاق نمودن تبصره ۷ به ماده ۹ این قانون، در کنار مسئولیت کیفری مدیر مسئول و نویسنده به مسئولیت «سایر اشخاص که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند، بدون تعیین نوع مسئولیت آنان (جرم مستقل، شریک یا معاون) ت صریح نموده است که به نظر می رسد منظور همان دست اندرکاران چاپ، نشر و توزیع نشریات به شرح فوق الذکر باشند.»

بررسی انطباق نظریه های مسئولیت کیفری با مسئولیت کیفری حاکم بر حقوق مطبوعات بعد از بررسی موردی مسئولیت کیفری اشخاص دخیل در جرایم مطبوعاتی، باید دید که حقوق مطبوعات ایران در زمینه مسئولیت کیفری از کدام یک از نظریه های موجود در این زمینه، پیروی کرده است. با توجه به تبصره ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات که این گونه اشعار می‌دارد: «... مسئولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می‌رسد و دیگر امور در رابطه با نشریه به عهده مدیر مسئول خواهد بود»، در وهله اول این گونه به نظر می‌رسد که قانون گذار ایران با پذیرش مسئولیت مدیر مسئول به تنهایی، از نظریه مسئولیت شخص واحد پیروی کرده است اما در ادامه و با توجه به تبصره ۷ (الحاقی ۳۰/۱/۱۳۷۹) ماده و قانون مطبوعات که این گونه اشعار می‌دارد: «مسئولیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می‌شود به عهده مدیر مسئول است ولی این مسئولیت نافی مسئولیت نویسنده و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند نخواهد بود، این برداشت منتفی می‌گردد. البته با توجه به این که رویه فعلی محاکم دادگستری کشور تنها مدیر مسئول را مجرم مطبوعاتی تلقی می‌کند و فقط رسیدگی به جرم او دارای تضمینات خاص جرم مطبوعاتی (علنی بودن و حضور هیئت منصفه) می‌باشد و دیگر افراد دخیل در جرم مطبوعاتی را مجرم عادی تلقی کرده و تضمینات خاص جرم مطبوعاتی در مورد آنها رعایت نمی‌شود، شاید بتوان گفت که نظام حقوقی ایران در این زمینه از نظریه مسئولیت شخص واحد پیروی کرده است ولی با دقت در مفهوم این نظریه که تنها یک فرد را مسئول می‌داند و دیگر افراد دخیل را به طور کلی از مسئولیت معاف و مصون می‌داند، نیز نمی‌توان این نظر را درست و منطقی دانست.

با توجه به مفهوم نظریه مسئولیت سلسله مراتبی و شکل و محتوای قانون مطبوعات ایران این نکته مشهود است که نظام حقوقی ایران از این نظریه نیز پیروی نکرده است. با توجه به تبصره ۷ ماده ۹ قانون مطبوعات که مسئولیت مدیر مسئول را نافی مسئولیت نویسنده و سایر اشخاص دخیل در ارتکاب جرم مطبوعاتی نمی‌داند، می‌توان گفت که نظام حقوقی ایران از نظریه مسئولیت همه عوامل پیروی کرده است ولی با دقت در این نظریه، که تمام افراد

دخیل در جرم مطبوعاتی را مسئول قلمداد و به عنوان مباشر، شریک و معاون مجازات می کند و رسیدگی به اتهامات تمامی آنها را با تضمینات خاص جرم مطبوعاتی می پذیرد و همچنین این نکته که رویه فعلی محاکم دادگستری کشور ما فقط مدیر مسئول را مجرم مطبوعاتی می داند و تنها رسیدگی به اتهام او را با وجود تضمینات خاص جرم مطبوعاتی درست می داند، (قانون مطبوعات و رویه قضایی کشور، سایر افراد دخیل در جرم مطبوعاتی را مسئول می داند اما نه به عنوان مجرم مطبوعاتی بلکه مجرم عادی) باز هم به این نتیجه می رسیم که نظام حقوقی کشور ما، از این نظریه نیز پیروی نکرده است.

### مسئولیت کیفری از دیدگاه حقوق مطبوعات ایران

با مراجعه به قانون مطبوعات ۱۳۶۴، ملاحظه می گردد که در این قانون به لحاظ عدم پیروی قانون گذار از یکی از نظریات شناخته شده در این زمینه مسئولیت همه عوامل، مسئولیت ترتیبی و مسئولیت شخصی، شناخت مسئولیت کیفری مرتکبین جرایم مطبوعاتی با پیچیدگی خاصی مواجه بوده و ابهاماتی به شرح ذیل در این خصوص مشهود بود. اولاً تبصره ۲ ماده ۱۹ این قانون مقرر می داشت: «صاحب امتیاز در قبال خط مشی کلی نشریه مسئول خواهد بود و مسئولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می رسد و دیگر امور در رابطه با نشریه به عهده مدیر مسئول خواهد بود. در این تبصره، از یک سو منظور از خط مشی نشریه که صاحب امتیاز مسئول آن است، مشخص نبود و از سوی دیگر، حدود و نوع مسئولیت صاحب امتیاز و مدیر مسئول به تفکیک بیان نشده بود. ثانیاً مقنن در مواد ۲۴، ۲۵ و ۲۶ قانون مطبوعات در تعیین مرتکب جرم، از عبارات «اشخاصی که» و هر کس و در بیان عمل مرتکب، از عبارات «فاش و منتشر کند»، «آهانت کند»، «استفاده نموده بود. این عبارات، همه ظهور در مسئولیت نویسنده مطلب داشت.

همچنین قانون گذار در ماده ۲۷ این قانون، به صراحت از مسئولیت نویسنده مطلب سخن گفته بود. به این ترتیب، این بحث در قانون مطبوعات مطرح بود که آیا مسئولیت

کیفری نویسنده به صورت حصری بوده و فقط در این چند مورد خاص است و یا این که نویسنده در مقابل ارتکاب هر جرم مطبوعاتی دیگر نیز مسئول است. ثالثاً قانون مطبوعات در خصوص مسئولیت کیفری سایر دست اندرکاران نشر، چاپ و توزیع مطلب مجرمانه (سردبیر، خبرنگار، عکاس، حروف چین، طراح، ویراستار، چاپ کننده و توزیع کننده) ساکت بوده و مشخص نبود که این سکوت قانون را باید مبنی به عدم مسئولیت آنان دانست و یا این که برای آنان مسئولیت مستقلاً قائل شد.

### نتیجه گیری

در قلمرو مطبوعات همانند سایر قلمروها، بحث جرم انگاری برای حفظ نظم و امنیت عمومی و حقوق فردی ضرورت دارد و فرد مسئول باید پاسخگو باشد؛ اما به لحاظ تعارض جرم انگاری در این قلمرو با اصل آزادی مطبوعات و تأثیر مستقیم دیدگاه های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و دینی در نحوه جرم انگاری، بحث در این زمینه پیچیده تر از سایر زمینه ها می باشد، بحث در این زمینه زمانی نیز پیچیده تر می شود که تعیین فرد مسئول به دلیل تعدد افراد دخیل در امر تهیه، چاپ و نشر، مشکل می گردد. بنابراین باید در جرم انگاری و تعیین فرد مسئول و یافتن راه کارها و پاسخ های مناسب برای موارد نقض قانون در این قلمرو دقت بیشتری نمود تا جامعه بشری شاهد ظهور آثار مثبت آن باشد و در مقابل آثار منفی آن را جلوگیری نماید. یعنی در جرم انگاری در قلمرو مطبوعات و بالتبع تعیین فرد مسئول در این زمینه، به جز رعایت ضوابط کلی جرم انگاری و رعایت دو ضابطه اساسی و مهم « عدالت و ضرورت»، به دلیل حساسیت موضوع جرم انگاری ( قلمرو فرهنگ و آزادی مطبوعات )، مقنن باید ظرافت های خاص آن را نیز رعایت کند تا به بهای حفظ یک سری ارزش های اجتماعی، ارزش های مهم و کاربردی آزادی مطبوعات فدا نشود. در قلمرو سیاست جنایی تقنینی، قانون گذار عادی ایران با ایجاد محدودیت هایی متنوع و تضییقات غیر منطقی برای مطبوعات، به شکل جرایم مطبوعاتی و یا به اشکال دیگر، همواره مانع تحقق آزادی و رشد مطلوب آنها شده است. از این رو نظام حقوقی ایران در قلمرو مطبوعات و پدیده مجرمانه مطبوعاتی و ضابطه و عدالت و با دو

معیار اخلاقی و دموکراتیک و ضابطه ضرورت بر اساس سبب زیان دیگری شدن و با شعار م شهورانه بیش از آنچه ضروری است و نه بیش از آنچه استحقاق دارد، در جرم شناسی حقوقی مورد بحث قرار گرفته است. ( به نقل از: گسن، ریموند، ترجمه مهدی کی نیا: ۱۳۹۷).

همچنین مسئولیت کیفری در این زمینه دارای کاستی هایی فراوان بوده و منطبق با واقعیات جامعه رو به رشد امروزی نیست. از جمله این محدودیت ها می توان به موارد ذیل اشاره نمود: پیش بینی روش اخذ مجوز جهت انتشار نشریه (نظام پیشگیری) و عدم امکان انتشار آزادانه مطبوعات، پیش بینی مجازات تکمیلی لغو امتیاز نشریات، تورم و تراکم جرایم با جرم انگاری های متعدد و مکرر، عدم رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات ها، عدم رعایت اصل تناسب جرایم و مجازات ها، عدم تفکیک جرایم از تخلفات مطبوعاتی استعمال واژه های کلی، مبهم و غیر حقوقی تفسیر بردار، اکتفا به پاسخ های کیفری و غفلت از مکانیسم ها و راهبردهای اجتماعی ( غیر جزایی) اداری، انضباطی و صنفی، عدم توجه به سی ستم نظام صنفی (خود کنترلی) و مقررات اخلاق حرفه ای روزنامه نگاری، عدم پیروی از نظریه های مسئولیت کیفری در قلمرو مطبوعات، گسترش مسئولیت کیفری جرایم مطبوعاتی به نویسندگان و سایر اشخاص دست اندرکار مطبوعات ( در کنار مسئولیت های مدیر مسئول ) بدون تعیین حدود و ثغور و نوع مسئولیت آنها، عدم تعیین مصونیت های قانونی در این قلمرو، تصریح به صلاحیت محاکم اختصاصی و استثنایی در ردیف محاکم عمومی برای رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و غیره. جهت درستی این ادعا می توان به نظر شورای نگهبان در مورد طرح قانونی مطبوعات اشاره کرد. براساس قسمت ب بند ۱۱ از نظریه شورای نگهبان : «... اصولا در این قانون (مطبوعات) وضعیت صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر به خوبی روشن نشده است که باید ضرورت وجود هر یک از آنها و مسئولیت آنان مشخص گردد. اگرچه مجلس شورای اسلامی پس از ایرادات وارده شورای نگهبان به مصوبه اولیه، تا حدودی از ابهام این مصوبه در زمینه مسئولیت کیفری دست اندرکاران مطبوعات کم کرد، ولی چنانچه بررسی شد، این ابهام کاملا مرتفع نشده است. همان گونه که اشاره شد با توجه به نظریه های مسئولیت کیفری در حقوق مطبوعات نهاد مسئولیت کیفری در قانون مطبوعات ایران فاقد شفافیت لازم است، که قانون گذار باید در رفع این مشکل بکوشد و با پیروی از یکی از نظریه های موجود در این زمینه (به ویژه نظریه مسئولیت شخص واحد) در تأمین

آزادی مطبوعات به نحوی مطلوب که باعث سوء استفاده نیز نشود گام بردارند. در زمینه مصونیت های قانونی در قلمرو جرایم مطبوعات نیز در کشورمان تجربه قانون گذاری مفیدی وجود ندارد و لازم است با توجه به تجربه های قانون گذاری دیگر کشورها در این زمینه نیز در ایران به طور صریح قانونی نوشته شود. به عنوان جمع بندی در رابطه با مسئولیت کیفری مرتکبین جرایم مطبوعاتی در قانون مطبوعات ۱۳۶۴ ایران و اصلاحیه های بعدی آن میتوان به این نتیجه رسید که مسئولیت کیفری در این قانون اصولاً بر عهده مدیر مسئول نشریه، به دلیل اینکه منتشر شدن مطالب مجرمانه تحت نظارت او در نشریه صورت گرفته است، می باشد، البته مسئولیت او، مسئولیت نویسنده یا سایر پدید آورندگان آثار مجرمانه منتشر شده در روزنامه را نفی نمی کند، زیرا مستند قانونی برای معافیت آنان از مسئولیت کیفری وجود ندارد. بنابراین با توجه به اشکالات و تعارضات یاد شده، برای اتخاذ سیاست جنایی منسجم، متوازن و منطبق با اصول ۲۴ و ۱۶۸ قانون اساسی و همچنین رفع پیچیدگی های موجود در زمینه مسئولیت کیفری مرتکبین جرایم مطبوعاتی، راه کارهای ذیل پیشنهاد می شود

- در جرم انگاری ها در قلمرو مطبوعات، به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها، اصل تناسب جرایم و مجازات ها و نیز پاسخ های غیر کیفری (نظیر جبران خسارات مادی و معنوی بزه دیده، عذر خواهی از شاکی، توبیخ با درج در روزنامه ها و محرومیت از سمت مدیر مسئولی بدون تعطیلی نشریه)، توجه شود تا به هر دلیلی مسئولیت افراد دخیل در مطبوعات از لحاظ کیفری باعث مخاطره نشود.

- شخص حقوقی دارای شخصیت مستقل است به این معنا که اگرچه قوام آن وابسته به غیر است لکن تا وجود دارد، برایش شخصیتی جدا از شخصیت تشکیل دهندگانش اعتبار و انتزاع می شود. با این وصف است که می توان حد اقل به صورت نیابتی و عاریتی برای او مسئولیت کیفری قائل شد. در این حال به واسطه اینکه قانون مسئول رفتار تشکیل دهندگانش است، یا به واسطه کوتاهی وی اگر جرمی واقع شود، باید مجازات شود. و مجازاتش از نوعی است که مقنن برشمرده است که جملگی از نوع تعزیر محسوب می شوند. البته مطالبه دیه و مطالبه خسارت ناشی از جرم، از شخص حقوقی رواست لازم به ذکر است که ابهامات و خللی

در برخی زوایای مطالب مربوط به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی وجود دارد که پیشنهاد می شود مقنن در صدد رفع این ابهامات و تسد این خلل برآید.

### منابع:

- اسماعیلی، محسن، ۱۳۸۰. شرایط و وظایف مدیر مسئول «، فصلنامه رسانه، شماره ۴، سال ۷؛ صص ۶۵ تا ۶۹۰
- باریکلو، ۱۳۸۷، اشخاص و حمایت حقوقی آنان، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد، ۷۸۵.
- جاویدنیا، ج، ۱۳۸۸، جرایم تجارت الکترونیکی، چاپ دوم، تهران، انتشارات خرسندی، ۴۵۱
- دامغانی م، ۱۳۸۲، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قوانین ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات ثانیه، ۱۴۸.
- شهری، غلامرضا و ستوده جهرمی. ۱۳۹۳. سروش، نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری، جلد اول، چاپ اول، تهران، روزنامه رسمی.
- شیخ الاسلامی، عباس، ۱۳۹۵ جرایم مطبوعاتی، انتشارات جهاد دانشگاهی چاپ دوم، ۸۱
- عالیپور ح، ۱۳۹۰، حقوق کیفری اختصاصی، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی، ۷۴۹.
- گسن، ریموند، جرم شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی نیا، چاپ اول، تهران، نشر مترجم، ۱۳۹۷، صص ۱۰ تا ۶.
- محمدی، قاسم. ۱۳۸۳. مسئولیت ناشی از جرایم مطبوعاتی، مجله پژوهش و سنجش، سال یازدهم، شماره ۳۹ و ۴۰،
- محمدی، قاسم، ۱۳۹۰. جرم مطبوعاتی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، تابستان، ۳۴
- مرتضی مطهری؛ ۱۳۷۶. پیرامون انقلاب اسلامی؛ چاپ سیزدهم؛ تهران: انتشارات صدرا، ۶۲-۶۲۰
- مقدم فر، حمید، ۱۳۹۷. «مسئولیت خبرنگاران و نویسندگان در جرایم و تخلفات مطبوعاتی» فصلنامه رسانه، شماره ۳، سال ۹، صص ۹۲ تا ۹۵
- میرمحمدصادقی ح، ۱۳۷۹، حقوق کیفری اختصاصی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات میزان، ۲۳۱.
- نعمانیان پ، ۱۳۸۶، سیاست تقنینی ایران در قبل مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، ماهنامه میزان، ۴۱-۳۲